JAMIA HAMDARD
ACC No. 3139
Date 18.8.86
LIBRARY NEW DELHI

رسالہ حسنات العارفین

از داراشکوہ

بسم اللہ الرحمن الرحیم

بعد حمدی ایست حمد بحد کہ حمد حامد و محمود اوست و صمدی راست ثنائے معدہ
وجود وجود و موجود موجود ہموست ✻ الا کل شیء ما خلا اللہ باطل و لعب و اوہان
اوست مظہر ذات حضرت وجود و صلوات بہگران بر رسولے کہ
ہموست کمیت اسم صفات لا یحد و لا یعد و لا یعد سگوید و فقیر بحر ان و اندوہ محمد داراشکوہ
جود لام کہ مظہر ذات و وحدی و معنی ثم است از ولادت اسم نقطہ حاصل
بالکلیہ کہ اسم سلوک و الف ملوک ذات است بہ جزو بصدر منطبعہ
ندیدہ بہ و او جدود و دوی اکثر کلمات بلند خفای و معارف و معارف ذات
دون ہمت و ازایشان حرکت بے حلاوت کہ آگاہ نیست و قصد و طعن و تکفیر و انکار
ایشان نمودہ بر محل اند فقیر رسید بحکم ارادی موحدان و بزرگان و عارفان کہ
تہدید بمحلوقات و رب ارباب در معاملات اند ستان للنصاری راست تہدید و عیاب

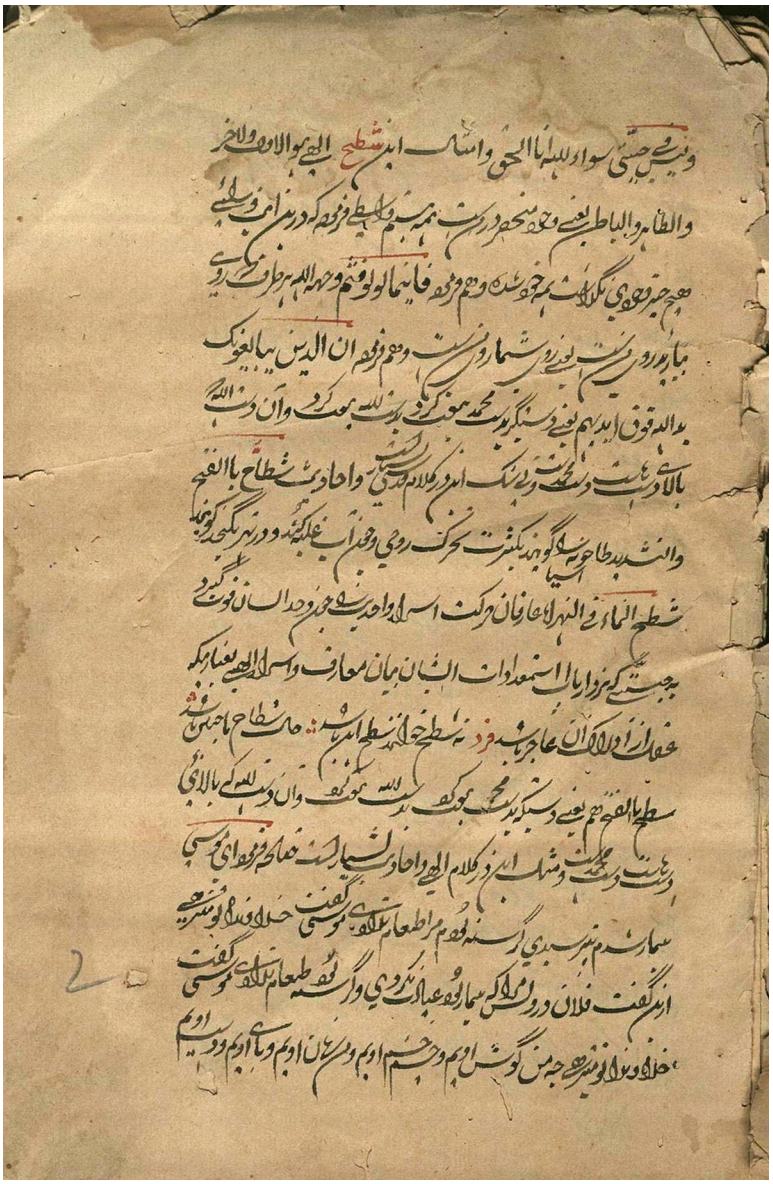

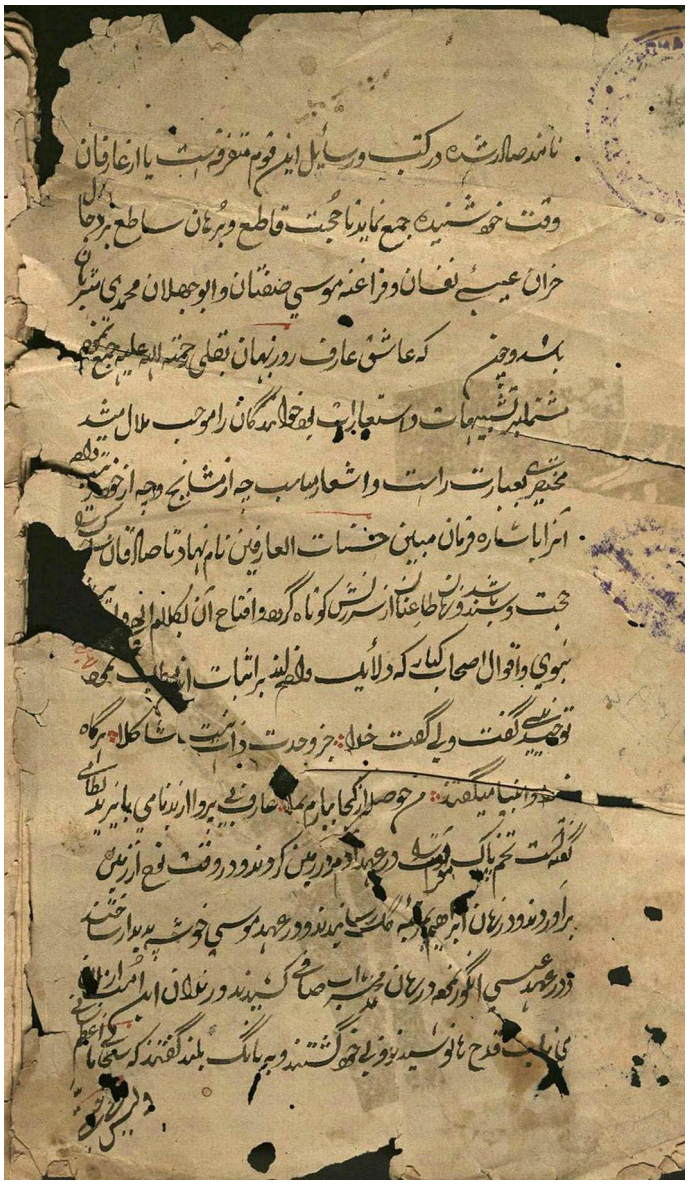

ازان کافران حقیقی اند که عارفان باشند مراد از دشمنان عینی موهوم اند
چه اجماعیه را اهل ظاهر کافر و دشمن میدانند و از اینجاست که امیر عزیز در تفسیر
این آیت که ظاهرش در شان کفار است ان الذین کفروا سواء علیهم ءانذرتهم
ام لم تنذرهم لا یومنون فرموده که این آیت در شان کافران حقیقی که کبرای عارفان باشند
وارد شده یعنی اسکافر که کافر حقیقی را خواهد تبرئی بالله است ایمان نیاورد
و منج شاه میفرماید سره در تفسیر آیه ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی
ابصارهم غشاوه و لهم عذاب عظیم نبود که در حق خاصان است ختم الله
بر دلهای آنان که در دل ایشان غیر ما باید و بر سمع ایشان غیر نشنود و گوش ایشان الا غیر نشنود
مر ایشان را الذت و حلاوت نباشد از ان کفر شطح عثمان ذوالنورین رضی الله عنه
فرموده ما رایت شیاء الا و رایت الله بعده یعنی ندیدم هیچ چیزی را مگر انکه دیدم الله را
بعد ان چیز بر انمک سالک که وحدت در سر او هویدا شد بحسب دیدن بر نور وجود حق
امیر شطح اگرچه بزرگ است هم اندکی موافق دلائل هر یک دلائل شطح علی رضی
کرم الله وجهه فرموده سبحان من اطاعته العاصی بعصیانه سبحان من ذکر الناس من سبابه
یعنی پاک است انکه گناه گار در گناه کردن هم فرمان او برده و پاک است انکه دشنام گویان در دشنام گفتن
هم یاد کرده و هم مرتضی علی کرم الله وجهه فرموده او باهر است نه انچنان که هر شیی باشد